

تطور جمعیت و شکل طهران

از آغاز تا امروز

در شماره اول این دوره به دنبال مقاله‌های جامعه‌شناسی که در دوره‌های پازدم و دهم «سخن» انتشار یافته بود، قسمت اول این مقاله به چاپ رسید. اکنون دنباله آن:

شهر طهران - طهران در مسیر جریان تکاملی خود از چند دوره مشخص گذشته است، دوره‌ای که طهران ده بود و تنها وظیفه ساده یکی از ده‌های شهری را انجام می‌داد، دوره‌ای که طهران تبدیل به شهر شد ولی اقتصاد حاکم بر آن، اقتصاد روستائی بود و سرانجام مرحله‌ای که در مقام شهری درآمد و به جای اقتصاد روستائی اقتصاد تجاری بر آن حاکم شد. امروز طهران در همین مرحله پیش می‌رود، با در نظر گرفتن اینکه صنعت جدید در آن راه یافته و اقتصاد تجاری با اقتصاد صنعتی درهم آمیخته است.

تفاوت ده تهران با شهر تهران - وجه امتیاز ده از شهر در ایران قدیم مربوط به این نبود که شهر جمعیت بیشتری از ده داشته باشد و همچنین شیوه زندگی شهری و روانشناسی اجتماعی که امروز از خصوصیات بزرگ تمیز ده از شهر است سبب تفاوت ده از شهر نمی‌گشت، و عامل اقتصادی به تنهایی نیز با همه اهمیت امروزی شهر را از ده ممتاز نمی‌کرد زیرا اقتصاد دوره فئودالی که هم بر روستاها و هم بر شهرها حاکم بود همان اقتصاد کشاورزی بود. بلکه تنها عاملی که به نظر ما شهر را از ده مشخص می‌ساخت وجود اراک و کهندهز^۱ در شهرها و داشتن وظیفه اداری خاصی بود.

تصادفی نیست که مورخان از موقعی طهران را شهر خواندند که گرداگرد آن بارو و در درون آن اراک ساخته شد. نویسنده هفت اقلیم^۲ درباره تهران چنین می‌نویسد:

« تهران از زمان فرمانفرمایی شاه طهماسب صفوی به زینت باروی اسواق مجلل گردید و سمت شهریت پذیرفت »

سیر تکاملی همه شهرهای ایران تا انقلاب صنعتی در غرب و ورود خصوصیات آن (خاصه وسائل نقلیه موتوری) به ایران با اندکی تفاوت یکی بوده است. آبادی‌های ایران پس از تبدیل شدن به شهر تقریباً در اکثر موارد دارای خصوصیات زیر بوده است:

۱ - کهندهز یا کهندهز به معنی ده کهنه آمده است. این اسم بیشتر در نواحی خراسان استعمال می‌شده است و به قلمه هالی می‌گفتند که در وسط شهرها قرار داشت که در خارج آن

۲ - تذکره هفت اقلیم مؤلف امین احمد رازی سال ۱۰۱۰ ه. ق

الف - کهنندز یا قهندز (ارك) : که در مرکز یا گوشه شهر قرار داشت و محل اقامت شاهان و امیران بود. از روز کاران کهن رسم چنین بود که در مرکز شهرها یا کنار آن ، عبادتگاهها بنا می شد . بمرور زمان جای خدایان را در این عبادت گاهها شاهان و امیران گرفتند ، بی تردید این امر با فلسفه قرون وسطائی « فره ایزدی » و « شاه سایه خداست » رابطه ای دارد .

این ارکها در بعضی موارد دارای برج و بارو بود و با خندقی حراست می شد . تقریباً همه شهرهای قرون وسطائی در ایران دارای چنین وضعی بود .



از روی نقشه درالخطه تهران - ۱۲۷۵ هجری قمری

ب - شهر : منطقیای بوده است میان ارك و حومه شهر (ربض) که در آن اعیان و شاهزادگان زندگی می کردند و هر يك از آنان در شهر یا اطراف آن دارای کوشک و باغ بوده و خانههایی برای نوکران خود داشته اند .

باغ های ظل السلطان ، فرمانفرما ، صنیع الملك ، عضد الملك و دیگر باغها و قصور اطراف تهران در دوره قاجاریه معروف است .

ج - حومه شهر : که در قرون وسطی آن را ربض (معنی لغوی آن دیوارگرد شهر است) می خواندند و عبارت از ناحیه ای بود که بین شهر و روستا قرار داشت و محل بازاریان بود و کسبه و پیشه وران با رباطها و کاروانسراها در آنجا قرار می گرفتند . در نخستین دوره تکاملی شهر تهران بازار در این قسمت شهر قرار داشت و توسط دیواری حراست می شد ، باغ و قصور شاهزادگان و اعیان نیز جزو این قسمت شهر بود .

د - روستا : محل زندگی روستائیان بود و از ناحیه‌ای تشکیل می‌شد که مزارع دهکده‌ها و چراگاه‌های اطراف شهر را شامل می‌شد و بعد از حومه شهر قرار داشت و مشتمل بر دههائی بود که مواد غذایی مردم شهر نشین را تأمین می‌کردند . مانند دهات کن ، سولقان و شمیران که در قرن یازده هجری از دهکده های معروف تهران بشمار می‌رفتند .

شهرها عموماً پس از وسعت یافتن ، ده‌های اطراف را دربر می‌گرفتند ، و آن دهات جزو محله‌های شهر درمی‌آمدند . در اغلب شهرهای ایران این امر دیده می‌شود . محله های کنونی تهران مانند : طرشت و دولاب در گذشته زمانی که تهران دهکده‌ای بیش نبود هریک ده مستقلی بود .

علل شهر شدن تهران - دربارهٔ ساختن ارك و برافراشتن برج و بارو بر گرد تهران مورخان مطالب زیادی نوشته‌اند و علل عمده شهر شدن تهران را مربوط به عوامل زیر دانسته اند :

الف - شاه طهماسب که قزوین را پایتخت قرار داده بود - گاهی برای زیارت جدش سید حمزه و شاه عبدالعظیم به تهران می‌آمد ازین رو به تهران دل بست و دستور داد کرد آن حصارى بکشند .

ب - وضع نظامی و سیاسی در روزگار شاه طهماسب ایجاب می‌کرد که به دور تهران دیوار کشیده شود . زیرا این پادشاه در شرق مملکت با عبدالله خان ازبک (ازسال ۹۳۳ تا ۹۴۴) در جنگ بود و در غرب کشور با سلیمان خان سلطان عثمانی ، و تهران محل رفت و آمد و تجمع سپاهیان وی بود .

ج - در دامنه کوه‌های شمیران شکارگاه‌های خوبی بود . توجه شاه از این جهت نیز به تهران جلب شد .

همه عوامل بالا بی شک در شهر شدن تهران ، گشودن بارو و برج به دور آن و ساختن ارك در آن مؤثر بوده است . ولی عامل اصلی که سبب این امر شده است نه مسئله نظامی و نه سیاسی و نه تفریحی بوده است . این مطلب را باید دانست که تهران سالها بود بر اثر ازدیاد جمعیت و رونق تجارت و کسب و کار احتیاج به امنیت داشت ، ازین رو دیگر وظیفه خاصی پیدا کرده بود که می‌بایست حفظ شود و با وظیفه دهکده‌ای که سابقاً بود تفاوت داشت . ساختن برج و بارو در تهران درست مصادف با ساختن بازار تهران است و این موضوع را نباید اتفاقی انگاشت . در نخستین مطالعه دربارهٔ شکل تهران پس از شهر شدن (چنانکه بعداً خواهیم گفت طول باروی نخستین شهر تهران يك فرسنگ بود) درمی‌یابیم که تهران به هیچوجه جنبه نظامی و سیاسی نداشته است بلکه به سبب تکامل دهکده‌ای ساده یا بهتر بگوئیم پیدا کردن وظیفه شهری ، تبدیل به شهر شده است . کلاویخو سیاح اسپانیائی که در سالهای (۷۹۲-۸۰۸) تهران را دیده است آنرا شهر بزرگی می‌خواندومی‌گوید دور آن برج و بارو ندارد . این امر نشان می‌دهد که قبل از کشیدن برج و بارو بدور تهران این دهکده از صورت ده

میرون آمده و وظیفه خاص شهر را پیدا کرده بود، و می بایست با کشیدن برج و بارو بدور آن بدان امنیت بخشید تا در سایه امنیت، شهر بتواند وظیفه خود را انجام دهد.

به دنبال این «امنیت» همه مورخان که از قرن دهم تا دوازدهم هجری درباره تهران مطالبی نوشته اند از خربزه، غلات، انجیر و دیگر میوه های آن مطالب زیادی گفته اند و از بسیاری باغها و ده های معتبر آن چون شهریار، خوار، دوربست، کند، و سولقان اظهار تعجب کرده اند. این امر حاکی از آنست که شهر محل خرید و فروش محصولات کشاورزی بوده است و کشاورزی روستاهای اطراف شهر رونق فراوان داشته و همه شرایط برای پیدا کردن یک مرکز اداری از هر جهت برای تهران آماده بوده است و می بایست دیگر وظیفه ای غیر از وظایف دهکده های اطراف دارا باشد.

چهره و شکل نخستین شهر تهران: بنا بر نوشته «زینت المجالس»^۱ باروئی که به دور تهران به امر شاه طهماسب در سال ۹۶۱ کشیده شد یک فرسنگ درازا داشت (مرآت البلدان ۶۰۰۰ کام) این بارو ۱۱۴ برج و چهار دروازه داشته است. سبب اینکه ۱۱۴ برج بر بارو آن گذاشته بودند جنبه مذهبی آن بوده است. چون تعداد سوره های قرآن ۱۱۴ می باشد.

دروازه های آن به ترتیب عبارت بودند: ۱- دروازه شاه عبدالعظیم ۲- دروازه شمیرانات ۳- دروازه قزوین ۴- دروازه دولاب.

مصالح ساختمان ارك و برج و بارو از چال میدان و چال حصار تأمین شده بود در دوره های بعد چال میدان و چال حصار را از محله های تهران می یابیم.

به نظر قوی حد جنوبی شهر تهران یعنی سرحد جنوبی بارو آن در زمان شاه طهماسب در نزدیکی خیابان مولوی امروز بود و حد شرقی آن نزدیک خیابان ری و حد غربی آن در حوالی خیابان شایور کنونی و حد شمالی آن در نزدیکی خیابانهای سپه (تویخانه) و برق کنونی قرار داشت.

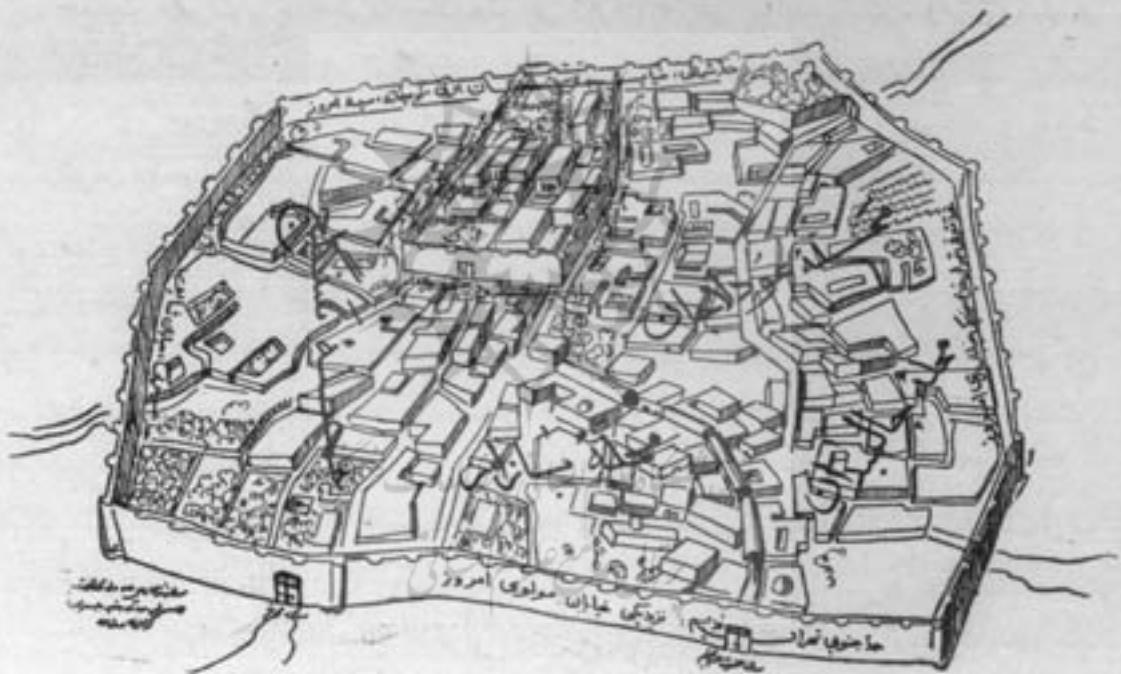
ارک آن حصار داشته است و یا خندق جداگانه ای حراست می شده و در قسمت شمال شهر واقع بوده است. از طرف شمال به میدان تویخانه و خیابان سپه محدود می شده است. خندق شرقی آن در ناصر خسرو و خندق غربی آن در نزدیکی خیابان خیام کنونی بوده و در خیابان بوذرجمهری از انتهای ناصر خسرو تا چهار راه گلوبندک نیز خندق جنوبی آن قرار داشته است. ارك آن گویا در زمان آغا محمد خان وسعت زیاد تری یافته است چون پیش ازین زمان بسیار کوچکتر بوده است. در قسمت غربی و شمال غربی داخل شهر باغهای متعدد قرار گرفته بود، خانه های مسکونی بیشتر در محله عودلاجان و چال میدان قرار داشته اند و بازار در شرق ناحیه ای که امروز به نام چهارسوق بزرگ نامیده می شود واقع بوده است.

در دوره های اولیه ما اطلاع دقیقی از موقع مکان های مختلف آن و اینکه

۱ - تألیف ۱۰۰۴ مجدالدین محمد الحسین اصفهانی.

کدام يك از گروه‌های اجتماعی در کدام قسمت شهر زندگی می‌کردند نداریم همین قدر می‌دانیم که پس از کشیدن برج و بارو به‌دور تهران، مدرسه، حمام، تکیه در آن ساخته شد و در دوره شاه عباس نیز چهار باغ که در دوره‌های بعد به‌دارک مبدل شد به‌وجود آمد.

اوضاع اجتماعی :- به‌دنبال کشیدن بارو به دور تهران یکی از بیگلربیگی‌های صفوی در آنجا مقیم شد. حدود قلمرو این بیگلربیگی از يك طرف تا فیروز کوه ادامه می‌یافت. بیگلربیگی‌ها در دوره صفویه موظف بودند قسمت اعظم عایدات قلمرو خویش را صرف مخارج حکومتی خود کنند و تنها مبلغ مختصری به دربار صفوی بپردازند، این امر تا دوره‌ای که طهران به پایتختی ایران برگزیده شد ادامه داشت و تأثیر بزرگی در رشد شهر تهران کرد و آبادانی آنرا افزون ساخت. جمعیت تهران در دوره صفوی همپای رونق شهر نشینی و آبادانی افزوده می‌شد. اطلاعی از جمعیت آن زمان تهران



در دست نیست تنها می‌دانیم که در سال ۹۸۵ قشون ۴۰۰۰۰ نفری شاه اسمعیل دوم برای انجام مأموریتی وارد تهران شد. این رقم در مقایسه با آمارهایی که از آغاز دوره قاجاریه از جمعیت تهران داریم نشان می‌دهد که تهران در دوره صفوی جمعیت قابل ملاحظه‌ای داشته است و جمعیت آن از آغاز دوره قاجاریه بیشتر بوده است.

حمله افغانان و متعاقب آن جنگ‌های داخلی و پیدا شدن بیماری‌های مسری به‌دوق شهر نشینی در ایران خاصه در تهران زیان بسیار وارد ساخت و بطور قابل ملاحظه‌ای از جمعیت آن کاست.

سیر جمعیت و وضع مسکن در تهران - « پی پرو دو لواله » ۱ ایتالیائی که در سال ۱۰۲۷ تهران را دیده است می نویسد : « تهران شهری است وسیع از کاشان بزرگتر ولی جمعیت آن زیاد نیست . اما در عوض دارای باغ های بسیار بزرگی است بدین معنی که یک سوم شهر خانه و دو سوم دیگر باغ های مختلف است .

در سال ۱۰۳۹ « سرتامس هربرت » ۲ که از تهران بازدید کرده است می گوید خانه های تهران خشتی است و شهر ۳۰۰۰ خانه دارد که بهترین آنها در اطراف بازار و اراک است . بازار طهران دو قسمت است قسمتی سرباز و بقیه سرپوشیده .

در سال (۱۷۹۶ = ۱۲۱۱) که « اولیویه » ۳ فرانسوی به تهران آمده است جمعیت تهران را در حدود پانزده هزار نفر می داند که ۳۰۰۰ نفر آن سپاهیان ساخلو تهران بوده است . این سیاح شهر را تازه ساز می خواند و می گوید : شکل آن مربع است و هر ضلع آن در حدود ۳۲۰۰ متر درازا دارد . تنها نصف مساحت آن آباد است ، و اراک آن را آغا محمد خان ساخته است . در سال (۱۲۲۲ = ۱۸۰۶) ژنرال کلاردن جمعیت طهران را در فصل زمستان بالغ بر ۵۰۰۰۰ نفر خوانده است . و می گوید در تابستان تنها فقرا در شهر می مانند .

موریه ۴ (۱۸۰۸ - ۱۸۰۹) خانه های تهران را ۱۲ هزار می داند و محیط تهران را ۷۲۰۰ تا ۸۰۰۰ متر مربع تخمین می زند .

کی نر ۵ که در زمان موریه از تهران بازدید کرده است . جمعیت تهران را در تابستان ۱۰۰۰۰ نفر و در زمستان ۶۰۰۰۰ نفر می داند .

اوزلی ۶ که در ۱۲۲۶ هجری قمری به تهران آمده است می نویسد : « تهران دارای شش دروازه ۳۰ مسجد و مدرسه و ۳۰ حمام است » و جمعیت این شهر را در زمستان بین ۴۰ تا ۶۰ هزار نفر می دند .

در سال ۱۸۶۱ جمعیت طهران در تابستان به ۸۰۰۰۰ و در زمستان به ۱۲۰۰۰۰ نفر بالغ می شده است ^{مطالعات تاریخی}

نتیجه : از مطالب بالا به خوبی روشن می شود که جمعیت طهران از دوره شاه طهماسب یا بهتر بگوئیم از زمان شاه اسمعیل دوم که ۴۰۰۰۰ نفر سپاهی به تهران فرستاده بود تا اوائل دوره ناصرالدین شاه چندان تغییر نکرده است ، در دوره فتحعلیشاه بر اثر جنگ های ایران و روس شهر حالت سیاسی و نظامی خاصی به خود گرفت و محل فعالیت جنگی و سیاسی شد و رو به رونق گذاشت . اما پس از وی بر اثر نتایج شکست های وی در جنگ ها به اهمیت و اعتبار شهر لطمه فراوان خورد ، خصوصیت شهر طهران در این دوره تکاملی درست مانند شهرهای قرون وسطی ایران است اقتصاد حاکم بر طهران اقتصاد روستائی است و هنوز رشد تجارت در این شهر ضعیف است . اعیان و شاهزادگان و مالکان به واسطه

۱ - Pitro della Valle - ۲ Sir Tomas Herbert - ۳ G. Aoliwer - ۴ Morier - ۵ Kinneir - ۶ Sir. W. ouseley

کرمی هوا تابستان از شهر خارج می‌شوند و زمستان به شهر بازمی‌گردند. تکامل شهر بسیار کند انجام می‌گیرد، شهر توسط برج و بارو و خندق حراست می‌شود. اراک در شهر هنوز اهمیت خود را حفظ کرده است و به کنار شهر و خارج آن منتقل شده است. بر اثر افزونی جمعیت احتیاج به مسکن بیشتر پیدا می‌شود.

تهران در اوائل قرن یازدهم که چندان جمعیتی ندارد تقریباً دارای ۳۰۰۰ خانه مسکونی است این خانه‌ها تنها یک سوم مساحت شهر را گرفته است، در اوائل قرن سیزدهم تهران صاحب ۳۰ مسجد و مدرسه (البته بیشتر مسجد) و ۳۰۰ حمام می‌شود و جمعیت متوسط آن به ۵۰ هزار نفر می‌رسد، حوادث اجتماعی و سیاسی ایران نیز بعد از فتحعلیشاه به رونق شهر نشینی و پیشرفت تهران کمکی نمی‌کند، تنها از دوره ناصرالدین‌شاه است که رشد تهران شروع می‌شود و پیشرفت تجارت خارجی و داخلی در آن تأثیر می‌گذارد و مرکز بزرگ اقتصاد ملی می‌شود و به دنبال آن چهره و شکل شهر که بطور کلی از دوره شاه طهماسب چندان تغییر نکرده بود، دیگرگون می‌شود.

خسرو خسروی

یک آمار تاریخی

شماره نفوس ممالک و نواحی ایران

بیست و چهار کرور نفر جمعیت است

تهران با مضافات : دویست و هشتاد هزار نفر .

تبریز با توابع : دویست و هفتاد هزار نفر است .

مشهد با لواحق : دویست هزار نفر .

اصفهان با بلوکات : دویست و پنجاه هزار نفر .

شیراز با نواحی : صد هزار نفر .

کرمانشاهان و توابع : صد هزار نفر .

کرمان با ملحقات : دویست و چهل و یک هزار نفر .

همدان و حوالی : یکصد هزار نفر است .

یزد و مضافات : یکصد و بیست هزار نفر .

پروچرد و بلوکات : سی و پنج هزار نفر .

شستر و توابع : هفتاد هزار نفر .

قزوین و بلوکات : یکصد هزار نفر .

ارومئ و حوالی : هشتاد هزار نفر .

استراباد و اطراف : صد هزار نفر .

گیلانات : صد و بیست هزار نفر .

ولایات مازندران : یکصد و پنجاه هزار نفر .

سایر ولایات و بلوکات و توابع و قری و مضارت : ده کرور نفر .

عشار و قبایل و اعراب و بادیه نشینان : نه کرور و صد و هشتاد و چهار هزار نفر .

قل از سالنامه ایران سال ۱۲۹۰ هجری قمری